

پیش‌بینی سلامت عمومی دختران با توجه به سه شیوه فرزندپروری دایانا بامرید و فرزندپروری متناسب با آموزه‌های دینی

سوسن سالاری*

رسول روشن**

چکیده

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی سلامت عمومی دختران با توجه به سه شیوه فرزندپروری است. از بین دانش‌آموزان مقطع اول دبیرستان شهر ری تهران (۹۰-۹۱)، تعداد صد دانش‌آموز دختر به همراه مادرانشان به شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار پژوهش سه پرسشنامه بود که به ترتیب، به دختران پرسشنامه (GHQ) سلامت عمومی گلدنبرگ (۱۹۷۲) و به مادران آنها پرسشنامه شیوه فرزندپروری دایانا بامرید (۱۹۷۲) و پرسشنامه محقق ساخته سبک فرزندپروری متناسب با آموزه‌های دینی داده شد. نتایج همبستگی نشان داد که سبک فرزندپروری «اقتدار منطقی» و «سلامت عمومی» رابطه معناداری دارند. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که این سبک و سبک متناسب با آموزه‌های دینی می‌توانند سلامت عمومی را پیش‌بینی کنند. در صورت استفاده از این دو سبک، سلامت عمومی فرزند افزایش می‌یابد. البته سبک فرزند پروری مبتنی بر آموزه‌های دینی به‌نحو معنادارتری سلامت عمومی را پیش‌بینی می‌کند.

واژه‌های کلیدی: فرزندپروری، سلامت عمومی، دختران، روان‌سنجی اسلامی،

روان‌شناسی اسلامی

مقدمه

خانواده نخستین و بادوام‌ترین عاملی است که اگر نه در تمام جوامع، دست‌کم در بیشتر آنها به عنوان سازنده و زیربنای شخصیت و رفتارهای بعدی کودک شناخته شده است و به عقیده اغلب روان‌شناسان باید ریشه بسیاری از اختلالات شخصیت و بیماری‌های روانی را در پرورش اولیه خانواده جستجو کرد (بیرامی، ۱۳۸۸). در روایات از فرزند با تعبیری چون میوه دل (متقی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۴۵۷)، نور دیده (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۴۸۰)، کسی که انسان را یاری می‌کند (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۶) و نیز مایه ثواب، پاداش اخروی و رحمت و غفران الهی یاد شده است. در قرآن و احادیث بر سبک فرزندپروری ویژه‌ای تأکید شده تا فرزند به درستی و براساس فطرت انسانی تربیت شود که خدا به وی عطا کرده است و شخصیتش در جنبه‌های مختلف روانی، عاطفی، معنوی، فردی و اجتماعی به صورت هنجار رشد کند. این سبک، سبک مسئولانه نام دارد. پیامبر اکرم (ص) در این باره می‌فرماید: «روش مناسب روشی است که بتواند نیکو در فرزند پدید آورد، ویژگی‌های روانی، هیجانی و رفتاری هماهنگ با فطرت برایش فراهم سازد تا درست و عاقلانه بیندیشد، زندگی را شایسته تدبیر کند و روابط خوب و انسانی با دیگران برقرار سازد» (حر عاملی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۱۵). با توجه به سیره معصومان (ع) کوشش در جهت فراهم آوردن زمینه آرامش روانی، نه تنها پسندیده، بلکه وظیفه والدین است. امام علی (ع) افراد را متوجه زیبایی، آراستگی و آرامش روانی می‌کند و می‌فرماید: «علیک بالسکینه فانها افضل زینة؛ بر تو باد که آرامش داشته باشی، زیرا برترین زیبایی است» (خوانساری، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۴۴۹) و همچنین، آن را گواراترین نعمت معرفی می‌کند. هیچ نعمتی گواراتر از امنیت و آرامش نیست (خوانساری، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۴۴۹). بامرید (۱۹۷۸) در توصیف رابطه والدین با فرزندان به دو بعد اساسی درخواست‌کنندگی والدینی (کنترل) و پاسخدهی والدینی (گرمی یا پذیرش) تأکید داشت. منظور از گرمی یا پذیرش، میزان پذیرش نیازهای فرزندان از سوی والدین و منظور از کنترل نیز میزان تسلط والدین، بیان انتظارات و درخواست‌های آنها از فرزندان است (نیومن، ۲۰۰۱). محققان سبک‌های مختلف فرزندپروری را متناسب با نمره‌هایی که در دو بعد بالا به دست می‌آید، در سه طبقه می‌گنجانند: سبک فرزندپروری مستبدانه (کنترل بالا و پذیرش پایین)، مقتدرانه (کنترل

بالا و پذیرش بالا)، سهل‌گیرانه (کنترل پایین و پذیرش بالا) و بعضی از محققان طبقه چهارم را تحت عنوان سبک فرزندپروری انکاری یا مسامحه‌کار (کنترل پایین و پذیرش پایین) به طبقات بالا اضافه کردند. مهم‌ترین جنبه سبک‌های فرزندپروری که می‌تواند رفتارهای سالم و خطرناک را تحت تأثیر قرار دهد، شامل نوع انضباط (ثبات در مقابل بی‌ثباتی)، میزان درگیری و مشارکت والدین، میزان نظارت والدین، نوع ارتباط و نوع فرزندپروری است (نیومن و همکاران، ۲۰۰۸)، بامریند (۱۹۷۱) نیز سبک‌های فرزندپروری را به صورت زیر مفهوم‌سازی کرد: نگرش‌ها و ارزش‌های والدین در مورد فرزندپروری و عقاید آنها در مورد فعالیت‌هایی که در برابر کودکان به کار می‌برند. در صورتی که نگرش‌ها، ارزش‌ها، عقاید و رفتارهای مربوط به فرزندپروری حفظ شود، سبک‌های پایدار فرزندپروری ظاهر می‌شود (ویلیام و همکاران، ۲۰۰۹). سبک فرزندپروری مقتدرانه با ترکیبی از کنترل بالا، حمایت هیجانی، سطح مناسب استقلال و روابط دوسویه بین والدین و کودک شناسایی می‌شود. پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهند که این سبک فرزندپروری با پیامدهای تحولی مثبت همچون پیشرفت تحصیلی بیشتر، اتکا به خود بالاتر، کج‌رفتاری کمتر و رفتار بهتر با هم‌تایان رابطه دارد (لعلی فاز و همکاران، ۱۳۸۷). والدین در فرزندپروری مسامحه‌کار از هیچ نوع راهنمایی به فرزند خویش دریغ نمی‌ورزند و خیر و سعادت فرزند را خواهان هستند؛ در حضور دیگران، فرزند را نصیحت و راهنمایی نمی‌کنند تا به شخصیت او ضربه‌ای وارد نشود (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۸۹). از سوی دیگر، نتایج پژوهش‌ها نشان داد که سلامت روانی و موفقیت تحصیلی در بین فرزندان که با الگوی مقتدرانه و اطمینان‌بخش تربیت می‌شوند، بیشتر است (قنبری هاشم‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۰)، در واقع به دلیل ارتباط بهتر بین اعضای خانواده، سلامت روان این فرزندان در بزرگسالی نیز بیشتر است (دوویری، ۲۰۰۴). این فرزندان شایستگی اجتماعی و عاطفی بیشتری دارند و در سال‌های ابتدایی زندگی شان موفقیت بیشتری در دوست‌یابی نشان می‌دهند و به احتمال کمتر در دوران نوجوانی به مصرف مواد گرایش می‌یابند و ثبات هیجانی بیشتر و عزت نفس بیشتری نیز دارند و به دلیل گرمی و محبت، قاطعیت و ثبات در برخورد با نوجوان و دادن حق انتخاب و استقلال به آنها نقش مؤثری در شکل‌گیری هویت او دارند (کشاوری و بحرالدین، ۲۰۰۹). این سبک فرزندپروری از طریق حمایت عاطفی،

پاسخدهی بالا و وضع قوانین و ابراز خواسته‌ها و انتظارات خود محدودیت‌هایی را برای فرزندان اعمال می‌کنند که سازگاری کودکان را افزایش دهد (مارتین و همکاران، ۲۰۰۷). سبک فرزندپروری مستبدانه شامل سه بعد اجبار فیزیکی، خصومت کلامی، روش‌های تربیتی تنبیهی و غیرتوضیحی است (لعلی فاز، ۱۳۸۷). این والدین بر پیروی کردن فرزندان و کنترل آنها تأکید دارند، درحالی‌که بده و بستان کلامی، خودمختاری و استقلال را منع می‌کنند. فرزندان مادران مستبد مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی بیشتر، مشکلات تحصیلی و مصرف مواد بیشتر، زوال شخصیت و اضطراب بیشتر، پرخاشگری بیشتر و اعتماد به نفس کمتری دارند (دوویری، ۲۰۰۴؛ هووین، ۲۰۰۶). آنان کنترل بالا، پرخاشگری کلامی، محدودیت و سبک‌های تربیتی تنبیهی دارند و از جمله، دلایل احتمالی چنین مسائلی این است که فرصت یادگیری نحوه مقابله با استرس به آنها داده نمی‌شود (انجمن یادگیری کانادا، ۲۰۰۷) و زمانی برای تصمیم‌گیری در مورد نیازهایشان نداشتند (ویلیام و همکاران، ۲۰۰۹) و از آنجایی که پذیرا و با محبت نیستند و از خودمختاری فرزندانشان حمایت نمی‌کنند، کودک به این تصمیم‌گیری شناختی می‌رسد که شاید او ارزشمند و مورد اعتماد نیست و دیدگاهی منفی به خود می‌یابد (قنبری هاشم‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۰). والدین سهل‌گیر معمولاً اعتماد به نفس کمتری در مورد فرزندپروری دارند، از سبک‌های تربیتی بی‌ثبات و نادیده‌گرفتن رفتارهای غلط کودک استفاده می‌کنند (ویلیام و همکاران، ۲۰۰۹). این سبک فرزندپروری با فقدان کنترل والدین و پاسخدهی به خواسته‌های کودک مشخص می‌شود. این شیوه فرزندپروری با بزهکاری، پرخاشگری فرزندان به دلیل فقدان نظارت و اهمال‌کاری والدین ارتباط دارد (لعلی فاز، ۱۳۸۷). این والدین گرم و پذیرا هستند و از حداقل تنبیه استفاده می‌کنند و در عین بردباری، پذیرش و گرمی، خواسته‌های اندک و یا هیچ خواسته‌ای در مورد رفتار فرزند ندارند؛ از این رو، در توانمند کردن فرزندان جهت هدایت توانایی‌هایشان و به دست آوردن موفقیت‌های تحصیلی ناموفق هستند (کشاورز و بحرالدین، ۲۰۰۹). از نظر اسلام، فرزندان از ارکان مهم خانواده به شمار می‌روند. در کلمات و سیره ائمه (ع) نگرشی مثبت به فرزند وجود دارد. حفظ حرمت در همه مقاطع سنی مهم است، اما در دوران کودکی و نوجوانی که زمان شکل‌گیری شخصیت فرد است، اهمیتی ویژه می‌یابد. در سیره و کلام اهل بیت (ع) نیز بر حفظ

حرمت افراد، به‌ویژه فرزندان و تکریم شخصیت آنان تأکید شده است. رسول گرامی اسلام(ص) فرمودند: «فرزندان خود را احترام کنید و آدابشان را نیکو گردانید که بخشیده خواهید شد» (حر عاملی، ۱۳۸۷، ج ۱۵، ص ۱۹۵). آن حضرت در عمل خود نیز به این سخن وفادار بودند و برای فرزندشان، فاطمه زهرا(س)، احترام ویژه‌ای قائل بودند، به گونه‌ای که نقل شده است؛ هرگاه فاطمه(س) نزد پیامبر(ص) می‌آمد، پیامبر(ص) به احترام او می‌ایستاد و او را می‌بوسید و در جای خویشتن می‌نشاند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۷، ص ۷۱). والدین سالم و بالغ در مقایسه با والدین ناسالم و نابالغ معمولاً با حساسیت و مهربانی بیشتری به نیازها و اشارات کودکان توجه می‌کنند و این نوع فرزندپروری امنیت عاطفی، استقلال، توانش اجتماعی و موفقیت هوشی را تشویق می‌کند (زارعی، ۲۰۱۰، ص ۲۲۰). برای مثال، در فرهنگ‌های مستبد مثل جوامع عرب، فرزندپروری مستبدانه تأثیر منفی بر روی فرزندان ندارد (دوویری، ۲۰۰۴) و سبک‌های فرزندپروری منفی (مثل سبک‌های مستبدانه و سهل‌گیرانه) خطرات بروز مشکلات رفتاری را در کودکانی که از نظر سرشتی زمینه مشکلات را دارند، افزایش می‌دهد (ویلیام و همکاران، ۲۰۰۹). همچنین، عدم هماهنگی بین روش‌های تربیتی والدین و سبک‌های تربیتی آنها با فرهنگ جامعه می‌تواند اثرات منفی بر روی فرد داشته باشد (دوویری، ۲۰۰۴). این اصل در سیره و کلام اهل بیت(ع) جایگاه ویژه‌ای داشته است. آنان در سیره عبادی خود به گونه‌ای با فرزندان رفتار می‌کردند که انجام عبادات بر آنان سخت نباشد و آنچه را در حد توان و ظرفیت آنها نبود، برایشان تحمیل نمی‌کردند. برای نمونه در سیره امام سجاد(ع) آمده است: ایشان کودکانی را که نزد او بودند و می‌داشت که نماز ظهر، عصر، مغرب و عشا را با هم بخوانند. به آن حضرت اعتراض شد. فرمود: این عمل برای آنها سبک‌تر و بهتر است و سبب می‌شود که به خواندن نماز پیشی جویند و به دلیل خواب یا سرگرمی به کار دیگر، نماز را ضایع نسازد. امام(ع) کودکان را به چیز دیگری غیر از نماز واجب دستور نمی‌داد و می‌فرمود: اگر قدرت و طاقت بر خواندن نمازهای واجب داشتند، آنان را محروم نسازید (نوری، ۱۳۸۳ق، ج ۱۵، ص ۱۶۰). ضرورت انجام این پژوهش بدین علت است که با وجود پژوهش‌های بسیار در مورد تأثیر سبک‌های فرزندپروری بر جنبه‌های سلامت در ایران، در هیچ‌یک به سبک تربیت دینی اشاره نشده است و از آنجایی که جامعه ما جامعه‌ای

برخاسته از تعالیم دینی می‌باشد، بهتر است که شیوه فرزندپروری نیز براساس تعالیم دینی و آموزه‌های اسلامی باشد. تعالیم اسلامی در قالب نکات و دستورهای تربیتی چنان ارائه شده است که انسان را به جایگاه حقیقی وی برساند و راه درست زندگی کردن را به او بیاموزد، طوری که سلامت روح و جسم او را نیز تضمین کند (سیف و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۵۱). در مورد شیوه تربیت فرزند در اسلام، پیغمبر اکرم (ص) می‌فرماید: «کودک در هفت سال اول، سید و آقا است و در هفت سال دوم روحیه اطاعت و فرمانبرداری دارد و در هفت سال سوم وزیر و مشاور است» (حر عاملی، ۱۳۸۷، ج ۱۵، ص ۱۲۴) و نیز آن حضرت در حدیث دیگری می‌فرماید: «فرزند خود را هفت سال آزاد بگذار تا بازی کند، در هفت سال دوم به تربیت و ادب کردن او اقدام کن، و در هفت سال سوم او را مشاور و همراه خود قرار بده» (همان، ج ۶، ص ۴۶). امام صادق (ع) می‌فرماید: «کودک هفت سال بازی کند، در هفت سال دوم خواندن و نوشتن و در هفت سال سوم حلال و حرام بیاموزد» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۶، ص ۴۷). امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: فرزندت در هفت سال اول همانند ریحان و گل خوشبوست. در هفت سال دوم خدمتگذار و مطیع تو و در هفت سال سوم، ممکن است دشمن دشمن و دوست تو باشد (شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۲۰، ص ۳۴۳). هدف تربیت دینی شکوفایی و رشد امور فطری همچون دین‌خواهی، میل به پرستش، کمال‌خواهی و مانند آن است که با فراهم کردن زمینه‌های مناسب، به کارگیری روش‌های مفید و تهیه امکانات لازم، می‌توان کودک را به رشد و کمال معنوی سوق داد و روح عبودیت و بندگی را در او تقویت کرد (سیف و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۶۰). در تربیت دینی و به‌خصوص در نماز، هدف اصلی، ایجاد رغبت و شوق باطنی در کودک و نوجوان است، نه صرفاً انتقال مطالب و الفاظ نماز؛ زیرا اگر بتوان در او شور و عشق دین‌خواهی را پرورش داد، قطعاً تأثیر تربیتی عمیقی در روح او ایجاد شده و باعث می‌شود که در هر شرایطی عبد و بنده خداوند باشد، حریم او را پاس دارد و آن را اقامه کند. در فرهنگ قرآن کریم، تربیت و تزکیه هم به مربی و هم به متربی نسبت داده شده است، درباره پیامبران که مربیان حقیقی بشرند، چنین فرمود: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ

وَأَلْحِكْمَهُ؛ خداوند بر مؤمنان منت نهاد که رسولی از خودشان برایشان فرستاد تا آیات خدا را برایشان تلاوت کند و آنها را تزکیه نماید و کتاب و حکمت را به آنان بیاموزد» و در جای دیگری پدر و مادر را به عنوان مربی معرفی کرده است: «وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا». آیاتی از قرآن شریف نیز خود انسان‌ها را مسئول تزکیه و تربیت خود می‌داند: «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا؛ سپس فجور و تقوا (شر و خیر) را به او الهام کرد، هر کس نفس خویش را تزکیه کرد، رستگار شده و آن کس که نفس خویش را آلوده ساخته نومید و محروم گشته است» (شمس، ۸-۱۰). نکته مهم دیگر این است که والدین در ایفای نقش خود از هرگونه افراط و تفریط و تحمیل پرهیز کنند تا کودک دچار تردید و تنفر نشود و فقط برای ارضای خاطر والدین و ظایف دینی را انجام ندهد، بلکه خود ببیند، بشنود، بفهمد و انتخاب کند. اگر خانواده درصدد ایجاد محیطی تصنعی و قالبی باشند، تربیت مناسب نخواهد بود و در عمق روح کودک مؤثر نمی‌افتد، در نتیجه تربیت الهی تحقق نمی‌یابد (کریمی و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۷۷). تحقیقات نشان داده است که افراط و تفریط تأثیر بسیار سوء بر سلامت روانی فرزندان دارد. هر چقدر سطح تعارض در خانواده بالا باشد، مشکلات فرزندان هم بیشتر خواهد بود و بالعکس (برجعی، ۱۳۷۸)، روابط خانوادگی و ارتباط عاطفی والدین تأثیر معناداری بر وضعیت تحصیلی و تربیتی فرزندان دارد (نریمانی، ۱۳۸۲). در نهایت، اسلام با رعایت کلیه اصول سبک‌های فرزندپروری، به عنوان کامل‌ترین معرف شیوه تربیتی معرفی می‌شود.

براساس نتایج به دست آمده و مطالعات در زمینه نقش رفتار والدین و شیوه‌های تربیتی دایانا بامرید و متناسب با آموزه‌های دینی (منفی و مثبت) در سلامت روانی فرزندان و رفتار متقابل فرزندان در جدول ذیل به طور مختصر آمده است.

رفتار والدین	رفتار فرزندان
<p>رفتارهای منفی</p> <ul style="list-style-type: none"> - اضطراب و وسواس زیاد در امور داشته باشند. - شیوه مدیریت همراه با کنترل زیاد (عدم ایجاد فضای آزاد) - حمایت بیش از حد - شیوه تربیتی پرخاشگرانه - آشفتگی در رفتار - کمبود توجه و عدم تأمین مالی - شرایط محیطی ناامن و مضطرب - تنبیه بدنی - دروغ گفتن و عمل نکردن به قول‌های خود 	<p>رفتار فرزندان</p> <ul style="list-style-type: none"> - مضطرب همراه با وسواس فکری - اعتماد به نفس پایین - بی‌کفایتی و عدم استقلال - عزت نفس پایین همراه با افسردگی - عدم سلامت عاطفی و رشد مهارت شناختی - افزایش دزدی در فرزندان - ناخن جویدن - پرخاشگر و سرخورده - دروغگو
<p>رفتارهای مثبت</p> <ul style="list-style-type: none"> - انتظارات براساس توانایی‌ها: پیغمبر اکرم(ص) می‌فرماید: خدای رحمت کند کسی را که در نیکوکاری و نیکی به فرزندش کمک کند. سؤال شد چگونه؟ فرمود: آنچه در توانایی کودک است و برایش میسر است، از او بپذیرد و آنچه انجام دادنش برای کودک دشوار و طاقت فرساست، از او نخواهد و او را به گناه، طغیان و کارهای احمقانه وادار نکند (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۶، ص ۵۰). - پرورش شخصیت کودکان: والدین با روش‌های مختلف می‌توانند شخصیت کودکان خود را پرورش دهند که مهم‌ترین آن، سلام کردن و هم‌بازی شدن با آنهاست. حضرت علی(ع) می‌فرماید: «مَنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ صَبَا؛ کسی که کودکی دارد باید (در راه تربیت او) کودکانه رفتار نماید». - جهت‌دهی مثبت به احساسات: کم‌اهمیت جلوه دادن اشتباهات و تقدیر از رفتارها و کارهای ارزشی و پسندیده آنان، سبب می‌شود که آنها به خود دلگرم شوند، احساس ارزشمندی نمایند. تقویت احساسات و ارزش‌های مثبت، یکی از مؤثرترین عوامل برای جهت‌دهی به گرایش‌های دینی فرزندان محسوب می‌شود. - دادن آزادی در ارزیابی و شناخت از واقعیات و جهان اطراف: امام سجاده(ع) می‌فرماید: حق کودک تو، بر تو این است که بدانی وجود او از 	<p>رفتارهای مثبت</p> <ul style="list-style-type: none"> - اعتماد به نفس افزایش می‌یابد - موفق در هویت‌یابی در نوجوانی و تعادل روانی

<p>مستقل، مسئولیت‌پذیر و افزایش اعتماد به نفس</p> <p>- پذیرفتن مسئولیت در قبال رفتار خود</p>	<p>توست و بد و خوب او در این دنیا به تو ارتباط پیدا می‌کند و باید بدانی که در سرپرستی او مسئولیت داری و مسئول هستی که او را به بهترین وجه تربیت کنی و بر عهده توست که او را به خداوند بزرگ راهنمایی کنی (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۳۳). همچنین آن حضرت می‌فرماید که چنان او را تربیت کنی که بتواند در کارهای مختلف زندگی با عزت و آبرومندی زندگی کند و مایه زیبایی و جمال تو باشد.</p> <p>برنامه‌ریزی ویژه برای رشد و تربیت کودک: اسلام به کار بردن روش‌های تربیتی ویژه را ضروری می‌سازد و معتقد است که رفتار با کودک باید با رفتار با بزرگسال متفاوت باشد. از سوی دیگر، در زمینه تربیت سفارش می‌کند که والدین باید در تربیت فرزندان مقتضیات زمان را نیز در نظر بگیرند تا کودکان بتوانند در شرایط زمانه خود به نحو شایسته‌ای زندگی کنند. امام علی (ع) می‌فرماید: آداب و رسوم زمان خود را با فشار و زور به فرزندان خویش تحمیل نکنید، زیرا آنان برای زمانی غیر از شما آفریده شده‌اند (شرح ابن‌ابی‌الحدید، ج ۲۰، ص ۲۶۷).</p> <p>- دادن مسئولیت و مشورت در تصمیم‌گیری‌ها:</p> <p>- توجه به استقلال‌طلبی کودکان: بذر استقلال‌طلبی از سال‌های آغازین زندگی کودک شروع به رشد و جوانه زدن می‌کند. پدر و مادر زمینه را برای رشد متعادل این میل فراهم می‌آورند. آزادی‌های لازم را به او بدهند. البته آزادی باید محدود باشد. روش‌های آزادمنشانه به کودکان و نوجوانان حق انتخاب و گزینش می‌دهد. زمینه را برای خلاقیت و شکوفایی استعدادها و نهفته آنان فراهم می‌سازد. کنترل و تذکر بیش از حد، تأثیر معکوس داشته و اعتماد به نفس کودک و نوجوان را از بین می‌برد.</p> <p>ایجاد ارتباط گرم و صمیمی: رسول اکرم (ص) می‌فرماید: اکرما اولادکم و أحسنوا آدابهم؛ به فرزندانان احترام کنید و با آداب و روش پسندیده با آنها معاشرت نمایید (نهج الفصاحه، کلمه ۴۵۱).</p> <p>- ارائه تقویت و تنبیه متناسب با رفتار</p> <p>توجه هرچه بیشتر به تشویق و پرهیز از تنبیه اسلام تنبیه را برای تربیت روشنی حکیمانه نمی‌داند و این روش سلامت روان فرد را به خطر می‌اندازد. البته هدف اسلام رشد کودک در یک فضای بی‌دغدغه و ساختگی نیست، زیرا زندگی واقعی نوش و نیش و فراز و نشیب فراوان دارد و</p>
--	--

<p>کودک را باید تا اندازه‌ای با آنها نیز آشنا کرد تا وقتی بزرگ شد، بتواند درمقابل ناملایمات و سختی‌ها، تحمل و صبر لازم را داشته باشد. امام موسی کاظم می‌فرمایند: خوب است کودک در خردسالی بدهکار شود (با مشکلات زندگی آشنا شود) تا در بزرگی صبور و بردبار باشد (شرح ابن‌ابی‌الحدید، ج ۵، ص ۱۲۶).</p> <p>«در تربیت اسلامی نیز افراد نیکوکار و افراد تبهکار یکسان به شمار نرفته‌اند. نیکوکاری، تعریف و تحسین به عمل آمده و از تبهکاری، مذمت شده است. به نیکوکاران، وعده پاداش نیک داده شده و برای بدکاران، عذاب و کیفر اخروی مقرر گشته است؛ اما در تربیت اسلامی، بر تشویق، بیش از تنبیه تأکید شده است (امینی، ۱۳۸۶).</p>

با نگاهی به جدول بالا که ترکیبی از شیوه‌ها و نکات تربیتی در متون دینی و نگاه روان‌شناسانه به تربیت است، می‌توان فهمید که در متون دینی اسلام به موضوع تربیت و فرزندپروری بسیار دقیق‌تر از سایر مکاتب پرداخته شده است؛ بنابراین، برخورداری از تربیت دینی، سیستم سازمان‌یافته‌ای از باورها، شامل سنت، ارزش‌های اخلاقی، رسوم و مشارکت در یک جامعه دینی برای اعتقاد راسخ‌تر به خدا یا یک قدرت برتر است (والش، ۲۰۰۵). هدف مذهب و آموزه‌های معنوی و دینی، به‌ویژه از نوع راستین، مثبت‌گرا، الهی، تعالی دادن به انسان، اصلاح رفتار او، هدایت و کامل کردن مکارم اخلاق برای انسان است (بوالهروی، ۱۳۸۱). شواهد پژوهشی به صورت روزافزونی از این موضوع حمایت می‌کند (متیوس و همکاران، ۲۰۰۶). باورهای مذهبی و دینی یکی از جنبه‌های درون‌فردی در امر سلامت تلقی می‌شوند، یافته‌های پژوهشی نیز نشان داده است که پایبندی به مذهب با سلامت جسمی و روانی رابطه دارد (تاکیو و همکاران، ۲۰۰۰).

بنابراین، پژوهشگر در این مطالعه به دنبال رابطه متغیرهای پیش‌بین (سبک‌های فرزندپروری دایانا بامرید و سبک فرزندپروری متناسب با آموزه‌های دینی) با متغیر ملاک (سلامت عمومی) در میان دانش‌آموزان دختر اول دبیرستان شهر تهران می‌باشد؛ از این‌رو، با توجه به مطالب فوق این سؤالات مطرح است که: آیا بین سبک‌های فرزندپروری و سلامت عمومی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟ آیا بین

سبک‌های متفاوت فرزندپروری (سهل‌گیرانه، مستبدانه، قاطع و اطمینان‌بخش، با استفاده از آموزه‌های دینی) و سلامت عمومی دختران دبیرستان رابطه وجود دارد؟ و کدام‌یک از سبک‌های فرزندپروری مقدار واریانس بیشتری از سلامت عمومی را تبیین می‌کنند؟

روش پژوهش

روش این پژوهش از نوع همبستگی است. جامعه پژوهش شامل همه دانش‌آموزان دختر مقطع اول دبیرستان شهر ری به همراه مادرانشان در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ می‌باشد که نمونه این تحقیق مشتمل بر صد نفر از جامعه مذکور با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند.

ابزار: پرسشنامه سبک فرزندپروری دایانا بامرید که در سال ۱۹۷۲ طراحی شد و دارای سه زیرمقیاس شیوه سهل‌گیرانه (۳۰ عبارت)، شیوه مستبدانه (۱۰ عبارت)، شیوه قاطع و اطمینان‌بخش (۱۰ عبارت) و در کل پنجاه عبارت است. الگوی پاسخدهی به سؤال‌ها براساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت است و با جمع نمرات مربوط به هر شیوه، سه نمره مجزا به دست می‌آید. بوری (۱۹۹۱) پایایی این پرسشنامه را با روش بازآزمایی در بین گروه مادران به ترتیب برای شیوه سهل‌گیرانه (۰/۸۱)، شیوه استبدادی (۰/۸۶) و شیوه قاطع و اطمینان‌بخش (۰/۷۸) گزارش کرد. اسفندیاری (۱۳۷۴) نیز پایایی آزمون بر روی یک نمونه ۱۲۰ نفری از مادران را به شیوه بازآزمایی و با فاصله زمانی یک هفته، به ترتیب برای شیوه سهل‌گیرانه (۰/۶۹)، شیوه استبدادی (۰/۷۷) و شیوه قاطع و اطمینان‌بخش (۰/۷۳) گزارش کرد. روایی محتوای آزمون توسط ده نفر از صاحب‌نظران روان‌شناسی و روان‌پزشکی تأیید شد (اصفهانی، ۲۰۰۵).

همچنین، برای سنجش سبک فرزندپروری متناسب با آموزه‌های دینی پرسشنامه‌ای محقق ساخته شامل دوازده گویه که شیوه‌های تربیتی با استفاده از آموزه‌های متون دینی (قرآن کریم، نهج‌البلاغه، صحیفه سجادیه، غررالحکم و دررالکلم) بود، به مادران داده شد. ابتدا جملات و احادیث مربوط به مباحث تربیتی به صورت سیاهه جملات جمع‌آوری و بار مثبت و منفی (مرتبط به تربیت یا نامرتبط) مشخص شدند. سپس گویه‌های مورد نظر با کمی تغییر در نوع الفاظ برای بررسی شیوه فرزندپروری براساس آموزه‌های دینی انتخاب شدند و با نظر متخصصان مربوطه (چند تن از اساتید معارف

اسلامی) به تأیید نهایی رسیدند. ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده ۰/۸۰ محاسبه شد (دشتی، ۱۳۸۴).

پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ-28): این پرسشنامه توسط هایلر گلدبرگ^۱ ساخته شد که دارای ۲۸ پرسش و چهار مقیاس است و هر مقیاس هفت سؤال دارد. علائم افسردگی^۲، علائم جسمانی^۳، علائم اضطرابی و اختلال خواب^۴، کارکرد اجتماعی^۵ است که نمره‌گذاری آن براساس مقیاس لیکرت (۰-۳) است و در هر مقیاس نمره ۶ و در مجموع از نمره ۲۲ به بالا بیانگر علائم مرضی است.

پایایی پرسشنامه: گلدبرگ و همکاران پایایی این آزمون را حدود ۰/۸۰ گزارش کرده‌اند. یزدان‌پناه (۱۳۷۵) پایایی پرسشنامه را به روش همسانی درونی و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۴ به دست آورد. در پژوهشی با نقطه برش ۲۳، حساسیت ۰/۸۶ و ویژگی ۰/۸۲ گزارش شده است؛ همچنین، بررسی‌های مختلف نشانگر پایایی بالای پرسشنامه و خرده‌مقیاس‌های آن از ۰/۴۷-۰/۹۳ می‌باشد (یعقوبی و همکاران، ۱۹۸۶).

برای اجرای این پژوهش، آزمونگر پس از ملاحظات مقدماتی لازم و توضیح دستورالعمل مقیاس، به دانش‌آموزان داوطلب پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ) و به مادران آنها پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری دایانا بامرید و فرزندپروری با استفاده از آموزه‌های دینی تحویل داد و از آنها خواست که آن را برحسب دستوراتی که برای اجرای آزمون در اختیار آنها گذارده‌اند، تکمیل کنند.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: پس از تکمیل پرسشنامه‌ها توسط نمونه آماری مورد نظر و ورود داده‌ها، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروه‌های مورد مطالعه در جداول مربوطه به فراوانی و درصدی و دیگر شاخص‌های آماری تهیه و تنظیم گردید و برای بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و سلامت عمومی از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد.

1. Hillier Goldberg
2. Depression Symptoms
3. Somatic symptoms
4. Anxiety Symptoms
5. Social Function

یافته‌ها

جدول ۱: شاخص‌های مرکزی آزمودنی‌ها در متغیرهای سبک‌های فرزندپروری و متغیر سلامت عمومی

متغیر	تعداد	فرزندپروری استبدادی	فرزندپروری منطقی	فرزندپروری آزادگذاری	فرزندپروری برگرفته از آموزه‌های دینی	سلامت عمومی
میانگین	۱۰۰	۱۶۷/۴	۳۲/۳۶	۱۶/۶۰	۱۷/۹۰	۱۲۶/۸۰۴
انحراف معیار	۱۰۰	۴/۹۸	۴/۶۲۳	۳/۸۸	۲/۸	۱۱/۲۶

در جدول ۱ میانگین و انحراف معیار متغیرهای مورد مطالعه بررسی شده است.

جدول ۲: ماتریس همبستگی سبک‌های فرزندپروری با مؤلفه‌های سلامت عمومی

افسردگی	علائم جسمانی	علائم اضطراب و خواب	کارکرد اجتماعی	سبک اقتدار منطقی	سبک آزادگذاری	سبک استبدادی	سبک متناسب با آموزه‌های دینی
۱							
.۵۶ p=/.۰۰۱	۱						
.۴۷ p=/.۰۲۱	.۶۱ p=/.۰۰۱	۱					
.۵۲ p=/.۰۰۱	.۶۵ p=/.۰۰۵	.۶۴ p=/.۰۰۱	۱				
.۳۸۵ P= ۰/۴۵۰	-.۳۳۷ P= .۳۳۰	-.۳۹۲ P= .۳۳۵	-.۴۲۱ P= ۰/۰۳۲	۱			
-.۰/۱۴۵ P= .۲۸۵	-.۰/۰۱۲ P= .۹۳۷	-.۳۷ P= .۷۹۹	-.۰۵۰ P= .۷۳۱	-.۳۲ P= .۲۱	۱		
-.۶۷۵ P= ۰/۶۱۰	-.۰/۹۶ P= .۵۵۶	-.۲۱۶ P= .۱۳۲	-.۱۹۰ P= .۱۸۷	-.۴۱ p=/.۰۴	-.۴۶ P= .۱۲۱	۱	
.۷۷ P= .۰۰۵	.۶۷ P= .۰۰۵	.۷۸ P= .۰۰۵	.۵۹ P= .۰۰۵	.۵۶ p=/.۰۴	-.۵۴ p=/.۰۲	-.۲۳ p=/.۰۴۱	۱

با توجه به نتایج مشاهده شده بین سبک فرزندپروری اقتدار منطقی و سلامت عمومی همبستگی معنادار وجود دارد، یعنی فرض صفر ما رد و ارتباط معنادار می‌شود،

ولی بین سبک فرزندپروری آزادگذاری و استبدادی با مؤلفه‌های سلامت عمومی رابطه معناداری وجود ندارد و فرض صفر در این دو مورد تأیید می‌شود.

جدول ۳: پیش‌بینی سلامت عمومی براساس سبک‌های فرزندپروری

سطح معناداری	مقدار بتا	شاخص‌های آماری سبک‌های فرزندپروری
.۰۶۵	- .۲۲۱	آزادگذاری
.۰۷۹	- .۱۲۸	استبدادی
.۰۲۹	.۰۵۱۶	اقتدار منطقی
.۰۰۰۲	.۶۹	مبتنی بر آموزه‌های دینی

با توجه به نتایج به دست آمده، مقدار بتا سبک فرزندپروری اقتدار منطقی ۰/۵۱۶ در سطح معناداری ۰/۰۲۹ معنادار است و همچنین، سبک فرزندپروری مبتنی بر آموزه‌های دینی با مقدار بتا به دست آمده ۰/۶۹ و در سطح معناداری ۰/۰۰۲ معنادار است و در بین چهار نوع سبک فرزندپروری، این دو سبک فرزندپروری می‌توانند سلامت عمومی فرد را پیش‌بینی کند، یعنی در صورت استفاده از این دو سبک سلامت عمومی فرزند افزایش می‌یابد. البته سبک فرزندپروری مبتنی بر آموزه‌های دینی به نحو معنادارتری سلامت عمومی را پیش‌بینی می‌کند.

جدول ۴: خلاصه مدل رگرسیون گام به گام و تحلیل واریانس فرزندپروری استبدادی، منطقی، آزادگذارانه، متناسب با آموزه‌های دینی بر سلامت عمومی

مدل	متغیر	شاخص	SS	DF	MS	F	P	R	R2
۱	فرزندپروری اقتدار منطقی	رگرسیون	۲۱.۷۲	۱	۲۱.۷۲	۳.۵۱	.۰۰۵	.۲۱۲	.۰۴۴
		باقیمانده	۳.۷۷	۹۸	۳.۰۲				
۲	فرزندپروری اقتدار منطقی + فرزندپروری متناسب با آموزه‌های دینی	رگرسیون	۲۷.۴	۱	۲۷.۴	۴.۸۹	.۰۰۵	.۳۲۲	.۱۰۳
		باقیمانده	۴۴.۵	۹۶	۴۴.۵				

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که بهترین متغیرهای پیش‌بینی‌کننده سلامت عمومی، فرزندپروری اقتدار منطقی، متناسب با آموزه‌های دینی هستند و متغیرهای فرزندپروری استبدادی و آزادگذاری از معادله رگرسیون حذف شده‌اند. براساس این نتایج F مشاهده شده معنادار است. از $F=4/89$ و $P=0/005$ واریانس مربوط به سلامت عمومی به وسیله فرزندپروری اقتدار منطقی و متناسب با آموزه‌های دینی تبیین می‌شوند.

نتیجه‌گیری

در ارتباط با فرضیه اول با توجه به نتایج به دست آمده، بین سبک فرزندپروری اقتدار منطقی و سلامت روان رابطه معناداری وجود دارد. براساس جدول شماره ۲ همبستگی بین سبک فرزندپروری اقتدار منطقی و سلامت روان $0/42$ به دست آمده است که این همبستگی مثبت و معنادار است. آدامز (۱۹۹۸) نیز به این نتیجه رسید که بیشترین رفتارهای عاطفی که رشد هویت و سلامت را تسهیل می‌کند، عبارتند از: گرمی و محبت والدین، مصاحبت، همراهی و پذیرش نوجوان، ایجاد معیارها و قوانین منطقی در خانواده، دادن استقلال و آزادی عمل به نوجوان، پذیرش تفاوت‌های فردی و عدم مقایسه او با دیگران که فرزندپروری مقتدرانه این موارد را شامل می‌شود (فولادچنگ و همکاران، ۱۳۸۹). به دلیل گرمی و محبت، قاطعیت و ثبات در برخورد با نوجوان و دادن حق انتخاب و استقلال به آنها نیز نقش مؤثری در شکل‌گیری هویت او دارند (کامچالی و همکاران، ۲۰۰۸) و نیز در پژوهش خود با عنوان «رابطه الگوهای فرزندپروری با میزان سلامت روانی و موفقیت تحصیلی» به این نتیجه رسیدند که سلامت روانی و موفقیت تحصیلی در بین فرزندان که با الگوهای مقتدرانه و اطمینان‌بخش تربیت می‌شوند، بیش از سلامت روانی و موفقیت در فرزندان است که با الگوهای مستبدانه و سهل‌گیرانه تربیت شده‌اند. با توجه به نتایج جدول شماره ۲ همبستگی بین سبک فرزندپروری آزادگذاری و سلامت روان $0/208$ - به دست آمده که از نظر آماری معنادار است، یعنی بین این دو متغیر همبستگی به صورت معکوس وجود دارد و با افزایش نمره آزمودنی در سبک فرزندپروری آزادگذاری سلامت روان کاهش می‌یابد. نتیجه مطالعه داوری (۲۰۰۴) و هیون (۲۰۰۶) که به ترتیب رابطه بین سلامت روان و سایکوز را با سبک فرزندپروری بررسی کرده‌اند، نشان می‌دهد که فرزندان والدین سهل‌گیر سازگاری ضعیف، سوء مصرف مواد، عزت نفس پایین، اضطراب و

افسردگی بالاتری دارند و مهارت‌های اجتماعی در آنها پرورش نمی‌یابد و به نظر خودخواه، وابسته و بی‌مسئولیت، بی‌نظم و در برابر خواسته و نیاز دیگران بی‌ملاحظه هستند. با توجه به نتایج جدول شماره ۲ همبستگی بین سبک فرزندپروری استبدادی و سلامت روان ۰/۱۲۱- به دست آمده که از نظر آماری معنادار است، یعنی بین این دو متغیر همبستگی به صورت معکوس وجود دارد و با افزایش نمره آزمودنی در سبک فرزندپروری استبدادی نمره سلامت کاهش می‌یابد.

در مطالعه کشاورز (۲۰۰۹) بر روی سبک‌های فرزندپروری در مالزی معلوم شد که والدین مستبد بسیار کنترل‌کننده هستند و تقاضاهای زیادی نیز از فرزندانشان دارند، ولی از نظر عاطفی سرد هستند و فرزندان نمی‌توانند در مورد قوانین والدین بحث و مذاکره کنند. والدین نیز با تنبیه و اجبار فرزندان را وادار به پیروی از قوانین می‌کنند. این فرزندان به احتمال بیشتری منزوی، بی‌اعتماد و ناشاد می‌شوند و عزت نفس و استقلال پایین‌تری دارند. در ضمن رفتارهای منفی و مشکلات هیجانی، پرخاشگری، مشکل در روابط صمیمی، افسردگی و عزت نفس پایین، مشکل در تصمیم‌گیری در نوجوانان والدین مستبد بیشتر است. سبک فرزندپروری آزادگذاری ۲۲٪ واریانس سلامت عمومی را تبیین می‌کند، سبک فرزندپروری استبدادی ۱۲٪ واریانس سلامت عمومی را تبیین می‌کند، سبک فرزندپروری اقتدار منطقی ۵۱٪ واریانس سلامت عمومی را تبیین می‌کند، یعنی می‌تواند سلامتی فرزندان را پیش‌بینی کند؛ در واقع، تحقیق حاضر تحقیقات پیشین را تأیید می‌کند. البته نتایج مطالعه چاو (۲۰۰۱) نشان می‌دهد که عملکرد نوجوانان آسیایی آمریکایی که والدین مقتدر داشتند، بهتر از نوجوانان با والدین مستبد نیست و در جمعیت چینی، سبک‌های فرزندپروری مستبدانه، رضایت کلی از روابط والد فرزندی را پیش‌بینی می‌کند؛ در حالی که این مسئله در مورد والدین مقتدر صادق نمی‌باشد (رئیس و همکاران، ۱۳۸۷). همراه با سبک فرزندپروری اقتدار منطقی، سبک متناسب با آموزه‌های دینی نیز توانست سلامت را در دختران پیش‌بینی کند. اسلام، پدر و مادر را در امر پرورش اخلاقی فرزندان خویش، مسئول می‌داند و یکی از وظایف اساسی و حساس آنها را تربیت فرزند دانسته است. پدران و مادرانی که در اثر سهل‌انگاری و یا سایر عوامل، از تربیت فرزندان خود سرباز می‌زنند، از نظر دین و اجتماع خطاکارند، زیرا فرزند تربیت‌نیافته و فاسد برای اجتماع فردی مزاحم و سربار

خواهد بود. رسول اکرم (ص) درباره پرورش اخلاقی کودکان فرمود: «اذبوا اولادکم فانکم مسئولون؛ فرزندان خود را تربیت نمایید؛ زیرا، در برابر آنان، مسئولیت بزرگی دارید». امام علی (ع): «اکرموا اولادم و احسنوا آدابهم؛ کودکان خود را بزرگ و گرامی داشته و خوب تربیت کنید». دین اسلام در تمام شئون زندگی فردی، اجتماعی، حقوقی و قضایی خصوصیات اخلاقی را محترم می‌شمرد و بدان‌ها توصیه می‌کند (رشیدپور، ۱۳۷۴). اینجا خوب است به چند خصوصیت انسان از نظر فردی (مانند اهمیت اینکه نباید دروغ بگوید، مسئولیت‌پذیر باشد و...) و چند خصوصیت جمعی (مانند رفتار با همسایه و...) از نظر اسلام اشاره کنیم که این خصوصیات در روند تربیت باعث افزایش عزت نفس و کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌شود. همه انسان‌ها، تا آخر عمر، نیاز به تشویق دارند. تشویق، موجب رغبت، دلگرمی، نشاط و تحرک می‌شود و انسان را به جدیت وادار می‌کند. انسانی که تشویق می‌شود، احساس آرامش، رضایت خاطر و اعتماد به نفس می‌کند و برای جدیت بیشتر و تحمل دشواری‌ها آماده می‌شود؛ برعکس، اگر مورد نکوهش یا ناسپاسی قرار گرفت، دل سرد و بی‌رغبت می‌شود و احساس حقارت و ضعف می‌کند؛ به گونه‌ای که توان خویش را از دست می‌دهد و حتی قادر به استفاده از استعدادهای موجود خویش هم نیست (امینی، ۱۳۸۶). تمامی احادیث و پندهای بالا نشان می‌دهد که در آموزه‌های دینی به تمامی جوانب تربیت فرزند، اعم از روحی و جسمی توجه شده است که با یافته‌های مربوط به بخش آموزه‌های دینی این تحقیق هماهنگ است.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی (۱۳۸۰)، قم: چاپخانه بزرگ قرآن.
- نهج البلاغه، ترجمه دشتی، محمد (۱۳۸۴)، چ ۳، قم: انتشارات مؤسسه فرهنگی و تحقیقاتی امیرالمومنین (ع).
- آمدی، عبدالواحد (۱۳۸۵)، *غررالحکم و دررالکلم*، ترجمه محمدعلی انصاری، ویرایش و تصحیح مهدی انصاری قمی، چ ۳، قم: انتشارات امام عصر (عج).
- امینی، ابراهیم (۱۳۸۶)، *اسلام و تعلیم و تربیت*، قم: بوستان کتاب.
- برجعی، احمد (۱۳۷۸)، تأثیر سازگاری و الگوهای فرزندپروری والدین بر تحول روانی - اجتماعی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران، پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
- بیرامی، منصور (۱۳۸۸)، «تأثیر آموزش مهارت‌های فرزندپروری به مادران پسران دبستانی مبتلا به اختلالات بیرونی‌سازی شده بر سلامت روانی و شیوه‌های تربیتی»، *مجله علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی*، س ۱۱، ش ۲، تابستان، ص ۱۰۵-۱۱۴.
- بوالهری، جعفر (۱۳۸۱)، *معنویت و رفتارهای پرخطر*، دومین کنگره سراسری رفتارهای پر خطر، زاهدان، ص ۱ و ۲.
- حر حاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۷)، *وسائل الشیعه*، چ ۶، تهران: الاسلامیه.
- حرانی، ابو محمد الحسن ابن شعبه (۱۴۰۴)، *تحف العقول*، تصحیح و تعلیق: علی‌اکبر الغفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرف.
- خوانساری، محمد (۱۳۷۸)، *شرح غررالحکم و درر الکلم*، چ ۴، تهران: دانشگاه تهران.
- رجالی تهرانی، علیرضا (۱۳۸۳)، ترجمه صحیفه سجاده، چ ۲،؟؟؟ انتشارات خادم الرضا.
- رشیدپور، مجید (۱۳۷۴)، *تربیت کودک از دیدگاه اسلام*، انجمن اولیا و مربیان، ص ۲۳.؟؟؟
- رئیس، فاطمه؛ انیسی، جعفر؛ یزدی، منوره؛ زمانی، مریم و رشیدی، سمیه (۱۳۸۷)، «مقایسه سلامت روان و شیوه‌های فرزندپروری در بین افراد معتاد و غیرمعتاد»، *مجله علوم رفتاری*، دوره ۲، ش ۱، بهار، ص ۳۳-۴۱.
- زارعی، اقبال (۲۰۱۰)، «بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری والدین با ارتکاب

نوجوانان به رفتارهای پرخطر بر اساس مقیاس کلونینگر»، *مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد*، ویژه‌نامه همایش رفتارهای پرخطر، دوره ۱۸، ش ۲، ص ۲۲۰-۲۲۴.

طبرسی، حسن ابن فضل (۱۴۰۸ق)، *مکارم الاخلاق*، بی‌تا: منشورات الشریف الرضی. سیف، سوسن (۱۳۸۳)، *روانشناسی رشد*، ج ۱، چ ۱۵، تهران: انتشارات سمت. قنبری هاشم‌آبادی، بهرام علی؛ حاتمی ورزنده، ابوالفضل؛ اسمعیلی، معصومه و فرحبخش، کیومرث (۱۳۹۰)، «رابطه بین سبک‌های فرزندپروری، دلبستگی و تعهد زناشویی در زنان متأهل دانشگاه علامه طباطبایی»، *فصلنامه علمی-پژوهشی جامعه‌شناسی زنان*، س ۲، ش ۳، پاییز.

فقیهی، علی‌نقی (۱۳۸۵)، «مطالعه تطبیقی سبک‌های فرزندپروری»، *مجله تربیت اسلامی*؟؟؟.

فولادچنگ، محبوبه؛ شیخ‌الاسلامی، راضیه و صفری، هاجر (۱۳۸۹)، «پیش‌بینی سبک‌های پردازش هویت نوجوانان براساس ابعاد فرزندپروری»، *مجله روانشناسی*، ش پیاپی ۵۳، س ۱۴، ش ۱، بهار.

کریمی، عبدالعظیم؛ فرهادیان، رضا؛ حداد عادل، غلامعلی و مفیدی، فرخنده (۱۳۸۷)، *آنچه درباره کودک و نوجوان باید بدانیم*، ج ۷، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷)، *الکافی*، چ ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

لعلی‌فاز، احمد و علی‌عسکری، عباس (۱۳۸۷)، «توان پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و متغیرهای جمعیت‌شناختی بر احساس تنهایی دختران دانش‌آموز»، *فصلنامه اصول بهداشت روانی*، س ۱۰، ش ۳۷، بهار، ص ۷۱-۷۸.

متقی، ابن حسام‌الدین (۱۴۰۹)، *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*، بیروت: مؤسسة الرسالة.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی. نریمانی، محمد (۱۳۸۲)، بررسی مشکلات رفتاری دانش‌آموزان و ارتباط آن با متغیرهای خانوادگی، *پنجمین همایش سراسری بهداشت روانی و اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان*، معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان زنجان.

نوری، میرزا حسین (۱۳۸۳ق)، *مستدرک الوسائل*، تهران: انتشارات دارالمطبعة الاسلامیه.

- Dwairy, M. (2004), Parenting styles and mental health of ara gifted adolescents, *gifted child quarterly*, fall 2004, vol 48, no 4.
- Esfandiari, H. (2005), Reliability and validation of scale for the measurement parents child rearing practices and Relationship its life skills in high schools students Minab, Hormozgan state researches education, P.71-72.[Persian].
- Heaven, P. C. L. Ciarrochi, J. (2006), perceptions of parental styles an psychotics in youth: A prospective analysis, *personality and individual differences*, 41:61-70.
- Kamachali, B. S, Ehsani, H. Ashtiany, A. F. Ahmady, Kh.Ahmady, A. (2008), the relationship of parenting styles with mental health and educational success, *Behaviouralscincesjournal1* (1), 23-40, (Persian).
- Keshavarz, S. Baharudin, R. (2009), parenting style in a collectivist culture of Malaysia, *European Journal of social sciences*, 10: 1.
- Martinez, I. Garcia, J. F. Yubero, S. (2007), parenting style and adolescent self-esteem in brazil, *psychological reports*, 100:731-745.
- Mattis, j. (2006), *Religion in African American life: Ecological and cultural diversity*, NewYork: The Guilford Press, p.189-190.
- Newman, K. Harrison, L. Dashiff, C.Davies, S.(2008), relationship between parenting style and risk behaviors in adolescent health: an integrative literature review, *Rev latino, am enfermagem, janeiro, fevereiro*, 16(1):142-50.
- Takyi, K. B., (2000), "Religion and women's health in Ghana: Insights into HIV/AIDs preventive and protective behavior", *Social Science & Medicine*, v 56, p.1221-1234.
- Walsh, f, (2005), *Spirituality in Family Therapy*, Guilford Press, p5-20.
- William, L. R. Degnan, K. A. PerezEdgar, K. E. Henderson, H. A, Rubin, K. H. (2009), impact of behavioral inhibitio and parenting style on internalizing and externalizing problems from early childhood through adolescence, *Jabnom child psychol* DOI 10. 1007/s 10802-009-9331-3.
- Yaghoobi, N., Nasr, M., Shah Mohammad, d.(1986), Epidemiology of mental disorders in urban and rural areas Some'esara city-Gilan, *Journal*, 1 (4):65-55, [Persian].